این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

این تقواست که ما را نجات می‌دهد

آیت‌الله خامنه‌ای:

امام باقر(ع) در نامه به سعد می‌نویسد: «به وسیله تقوا بود که نوح و همراهانش در سفینه و جناب صالح و مؤمنین ایشان از صاعقه نجات پیدا کردند.» حالا فرض کنید اگر وقتی به جناب نوح وحی می‌رسید که در خشکی کشتی درست کن، او می‌خواست طبق عقل خود رفتار کند، چه می‌شد؟ اما تقوا به خرج داد! اگر عقل انسان می‌خواست آنجا وارد میدان شود می‌گفت خب تنور، آب، جوشیدن و... چه ربطی دارد؟! در این موارد آدم نمی‌تواند از عقل استفاده کند اما با تقوا می‌شود. یارانش هم همین‌طور. حضرت گفتند سوار شوید. سوار یک کشتی شدند در بیابانی خشک و شهری بی‌آب! اگر آنها هم تعلل می‌کردند و تقوا به خرج نمی‌دادند غرق می‌شدند. بنابراین به آنچه خدای متعال فرمود، عمل کنید. [امام باقر(ع) ادامه می‌دهد]: «کسانی که در مقابل دشمنی‌ها و دشواری‌هایی که بر آنها تحمیل شد، صبر کردند به وسیله تقوا به نتیجه مطلوب خود رسیدند.» بنابراین تقوا یعنی مراقبت از این خط مستقیمی که خداوند متعال معین کرده است. یک جاهایی عقل انسان نمی‌رسد. ما در مسائل عمومی و کلی کشور هم در موارد متعددی به همین جا می‌رسیم. جایی که انسان نمی‌داند مصلحت کدام طرف است. چون کار مملکت را باید با مصلحت پیش برد. انسان نمی‌داند؛ نگاه می‌کند ببیند کدام‌یک با موازین شرع منطبق است و کدام منطبق نیست. آن را عمل می‌کنیم و اتفاقاً همان درست می‌شود یعنی مصلحت همان است. شرع و تقوا ما را راهنمایی می‌کند.

منبع: شرح حدیث اخلاق «الشافی ۸۵۳»

خاطره شهید آیت‌الله بهشتی از سفری تبلیغی در ایام جوانی

کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام با استناد به صفحه ۴۷ از جلد یک کتاب «مصلح بیدار» خاطره‌ای از شهید بهشتی را به اشتراک گذاشت. شهید می‌فرمایند: در سال ۱۳۲۶ در قم با آقای مطهری و آقای منتظری و آقایان دیگر، علاوه بر درس و بحث طلبگی همیشه به فکر سامان دادن به روحانیت و پربار کردن این نهاد اسلامی-اجتماعی بودیم. در روز میلاد یکی از ائمه(ع)، در حجره یکی از دوستان‌مان آقای ایزدی نجف‌آبادی در مدرسه حاج‌ملاصادق قم مهمان بودیم؛ صحبت از این شد که باید روحانیت برای مؤثر واقع‌تر شدن خودش تلاش کند. خوب است ماه رمضان امسال- که تابستان هم بود- برویم به دورافتاده‌ترین نقاط کشور، برای رساندن پیام اسلام به مردمی که کمتر کسی سراغشان می‌رود. در آن سال ۱۸ نفری به اطراف رفتیم و قرار شد به افرادی که می‌فرستیم نفری ۱۰۰ تومان بدهیم و چون غالباً نداشتیم، مرحوم آقای بروجردی که به وسیله امام خمینی(ره) در جریان این برنامه قرار گرفته بودند، این خرج سفر را تأمین کردند. قرار شد برویم، اگر جایی هم نبود چون تابستان بود با همان عبای خودمان، هر جا که شد بخوابیم و خوراک هم، خودمان تهیه کنیم.

معترضان امریکایی: سیستم را آتش می‌زنیم

کانال «مطالعات امریکا» به قلم «امیرعلی ابوالفتح» نوشت:

...هاوک نیوسام، از رهبران جنبش اعتراضی «جان سیاه‌پوستان ارزش دارد» در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز هشدار داد: «اگر دولت امریکا مطالبات معترضان امریکایی را برآورده نسازد، مردم، سیستم سیاسی را به آتش خواهند کشید و سیستم دیگری را جایگزین خواهند کرد.» در ۳۰ روز اعتراضات گسترده ضد تبعیض نژادی و اعمال خشونت پلیس در پی مرگ دلخراش جورج فلوید، برای نخستین بار است که یکی از چهره‌های شناخته شده معترضان، آشکارا از انقلاب و تغییر رژیم در امریکا سخن به میان آورده است. تا پیش از این به نظر می‌رسید معترضان صرفاً در پی کاهش نژادپرستی در جامعه، رفع نابرابری‌ها و اصلاحات در ساختار پلیس امریکا هستند. اما اتخاذ سیاست مشت آهنین از سوی دولت فدرال امریکا به ریاست دونالد ترامپ و همچنین از سوی برخی فرمانداران، جنبش اعتراضی مردم امریکا را به سمت مطالبات و اقدامات رادیکال سوق داده است. به عنوان مثال، در هفته‌های اخیر، حمله به مجسمه‌های افراد تاریخی به دلیل نقش آنان در ایجاد نظام برده‌داری و استمرار تبعیض نژادی در این کشور شدت گرفته است. در حالی که پیش از این، اعتراضات اجتماعی علیه رفتار خشن و تبعیض‌آمیز پلیس و دادگاه‌ها در پی قتل رنگین‌پوستان توسط «پلیس‌های قاتل»، عمدتاً به شکل تجمعات آرام و مسالمت‌آمیز در خیابان‌ها انجام می‌گرفت. اما تشدید بحران‌های اجتماعی طی دو دهه گذشته، تلاش نظام سیاسی برای نادیده گرفتن مطالبات مردمی، اعمال خشونت از سوی دولت و ناامیدی عمومی از اصلاح امور، جامعه امریکا را بیش از پیش ملتهب کرده است. به همین دلیل، به تدریج استفاده از واژه «انقلاب» در ادبیات سیاسی روزمره مردم امریکا افزایش یافته است و همزمان نیز، عبارت «جنگ داخلی» برای توصیف آینده سیاسی امریکا به کار می‌رود. با این حال، فارغ از این که آینده امریکا «انقلاب» یا «جنگ داخلی» خواهد بود، بی‌توجهی به مطالبات انباشته شده در جامعه، شرایط بغرنج و پیچیده‌ای را در این کشور رقم خواهد زد. این مطالبات نیز صرفاً به موضوعات نژادی محدود نیست. در حال حاضر نارضایتی از انواع نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، صدها هزار شهروند معترض را به خیابان‌ها کشانده است. این در حالی است که تعداد بسیار بیشتری از مردم امریکا از وضع موجود ناراضی هستند اما ترجیح می‌دهند در اعتراضات خیابانی شرکت نکنند. این مطالبات در قالب جنبش‌های اجتماعی «تسخیر وال استریت» و «جان سیاهان ارزش دارد» مطرح شده است.

بازخوانی کاربران شبکه‌های اجتماعی از جنایات امریکا در هفته #حقوق_بشر_امریکایی

پارادوکس مسخره‌ای است این حقوق بشر امریکایی!

هفتم تا دوازدهم تیر ماه که مصادف با چندین ترور و حادثه قتل عام از سوی امریکا یا عناصری که به پشتوانه این کشور دست به جنایت می‌زنند، است از سوی رهبر انقلاب به نام هفته «حقوق بشر امریکایی» نام‌گذاری شده است. رهبر انقلاب در تاریخ ۹۴/۴/۶ فرمودند: «از هفتم تیر تا دوازدهم تیر شما ببینید چقدر ترور، قتل عام و کشتار انجام شد؟ به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفته حقوق بشر امریکایی اعلام کنیم.» با فرارسیدن این ایام کاربران شبکه‌های اجتماعی جنایات امریکا را بازخوانی کردند. آنها اذعان داشتند حقوق بشر امریکایی یعنی «جنایتکاری با تصویر یک کت و شلوار پوش شیکِ ادکلن زده با ژست عقلانیت و قانون برای از بین بردن میلیون‌ها آدم برنامه‌ریزی کند!» برخی از این توئیت‌ها را در ادامه بخوانید.

الهام گرفته از بمباران شیمیایی سردشت، ۷ تیر ۱۳۶۶

سجاد صیاد:
هفته حقوق بشر امریکایی در ایران آغاز شده و قصد دارم چند مورد از خیرخواهی‌های امریکا برای ایران رو بگم: ۶ تیر ۱۳۶۰ سوءقصد نافرجام به حضرت خامنه‌ای؛ ۷ تیر ۱۳۶۰ بمبگذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی؛ ۸ تیر ۱۳۶۰ به شهادت رساندن شهید محمد کچویی رئیس زندان اوین؛ ۱۱ تیر ۱۳۶۰ به شهادت رساندن آیت‌الله صدوقی(ره) نماینده امام (ره) و امام جمعه یزد؛ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ شلیک مستقیم موشک به هواپیمای مسافربری ایرباس شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران توسط ناو امریکایی و شهادت تمامی ۲۹۰ مسافر و خدمه از جمله ۶۶ کودک و ۵۳ زن. اینم حقوق بشر امریکایی!

مجتبی روحی‌زاده:
در فلوریدا تا سال ۱۹۱۹ شکارچیان برای شکار تمساح از کودکان سیاه‌پوست برای طعمه استفاده می‌کردند. در دوران برده‌داری کودکان را به زور از بردگان جدا می‌کردند اما بعد از برچیده شدن قانون برده‌داری، کودکان از خانواده‌های سیاه‌پوست دزدیده می‌شدند. غرب همان غرب ۴۰۰ سال پیش است!

محمد شیروانی:
حقوق بشر امریکایی یعنی کمک به صدام برای بمباران شیمیایی ایران؛ یعنی زدن هواپیمای مسافربری؛ یعنی هیروشیما و ناکازاکی؛ یعنی جنایات از ویتنام گرفته تا یمن؛ حقوق بشر امریکایی یعنی ترور یک مقام رسمی در یک سفر رسمی در کشور ثالث! حقوق بشر امریکایی یعنی داغ بر دل نشسته حاج‌قاسم.

حسین مظلومی:
منافقینی که دستشان آلوده به خون ۱۷ هزار نفر از مردم است امروز در پاریسی ساکنند که مقر FATF سازمان مقابله با تأمین مالی تروریسم در آنجا قرار دارد. خالق داعش، طالبان و القاعده، قاتل میلیون‌ها انسان در سازمان ملل حق وتو دارد، چون صلح بر عدالت ارجحیت دارد! پارادوکس مسخره‌ای است این حقوق بشر امریکایی!

مهدیه هستی:
بمباران شیمیایی سردشت سند جنایت استکبار است. ۲۵۲ حمله شیمیایی رژیم بعث عراق و بیش از ۱۰۰ هزار مجروح شیمیایی.

امیرعلی فارسان:
حقوق بشر مهم‌ترین دستاوردی است که قدرت‌های بزرگ از آن برای تحت فشار قرار دادن دیگر کشورها استفاده می‌کنند.

کانال تلگرامی بیسیم‌چی مدیا:
حقوق بشر امریکایی یعنی وقتی مردم عادی قربانی آزمایش‌های بیولوژیک می‌شوند. دو روز بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر اسنادی منتشر شده که به علت شرایط توجهی به آن نشد، امریکایی‌ها برای آزمایش‌های بیولوژیکی از سربازان و مردم عادی استفاده می‌کردند تا تأثیر عوامل بیماری‌هایی مثل گاز اعصاب، گاز سارین، باکتری ای کولای، باکتری باسیلوس گلوبیجی، سیاه زخم و طاعون را مشاهده کنند! سال ۱۹۴۷ میلادی، بر اساس اسناد به دست آمده از وزارت دفاع امریکا، ثابت شد ارتش امریکا در این سال اقدام به بررسی تأثیر برخی پرتوها بر روی انسان کرده است، در همین سال سیای امریکا مطالعاتی را بر روی تأثیر ال‌اس‌دی انجام می‌داد!

فاطمه باقری:
حقوق بشر امریکایی یعنی یک جانی و جنایتکار، با تصویر یک کت و شلوار پوشِ شیکِ ادکلن زده با ژست عقلانیت و قانون و حقوق بشر، برای از بین بردن میلیون‌ها آدم برنامه‌ریزی می‌کند! همین‌قدر وقیح و سخیف!

محمد نصوحی:
تو بیمارستانی در تگزاس از پذیرش و درمان یک سیاه‌پوست معلول که به کرونا مبتلا شده بود، با این توجیه که او «ارزش زنده ماندن ندارد» خودداری کردند و همین موضوع موجب فوت وی شده! خلاصه که وقتی غربی‌ها از حقوق بشر حرف می‌زنن منظورشون یه همچین چیزیه ولی روشون نمیشه بگن!

محمدامین سرگلزایی:
منطق حقوق بشر امریکایی امروز بیش از هر زمان دیگری به لُکنت درآمده تا جایی که حتی اجازه نفس کشیدن به شهروندان رنگین‌پوست خود را نمی‌دهد و مردمی که به این موضوع اعتراض دارند را به کشتن و سرکوب تهدید می‌کند.

سیدمحمدصادق موسوی:
هفته حقوق بشر امریکایی فرارسیده است. خوب می‌دانم که حقوق بشر از منظر امریکا و اروپا یعنی هر چه آنها گفتند و انجام دادند خوب است حتی اگر کشتن سیاه‌پوست و سرخ‌پوست و بومی و دارای ملیتی غیر آنگلاساکسون باشد.

گزارش

در حاشیه اعتراض آنلاین طرفداران موسیقی کره‌ای به ترامپ

شبکه‌های اجتماعی جدید و تحول در کنش جنبش‌های اعتراضی

محمد رستم‌پور گزارشی را از تازه‌ترین دردسر ترامپ به نقل از وب‌سایت «Technology Review» ترجمه و در کانال تلگرامی خود با نام «جهت» به اشتراک گذاشت. در این گزارش از اعتراض آنلاین طرفداران موسیقی کره‌ای به ترامپ، می‌خوانیم.

هواداران موسیقی کره‌ای و نوجوانان عضو شبکه تیک‌تاک به سرعت در حال تبدیل به ارتشی از سربازان ناشناس اینترنتی هستند که عاشق ستایش قهرمانان و چهره‌های محبوب خود هستند اما واقعاً نمی‌دانند چرا.

برنامه کاربران نوجوان شبکه اجتماعی تیک‌تاک و هواداران موسیقی کره‌ای (K-pop stans) برای اخلال در برنامه انتخاباتی ترامپ در تولسا در اوکلاهما از ایده یک زن ۵۱ ساله آغاز شد. دو هفته پیش، زنی به نام «جو لاوپ» یک ویدئوی کوتاه برای هزار فالوور خود در تیک‌تاک بارگذاری کرد و پیشنهاد داد مردم برای حضور در تجمع انتخاباتی ترامپ ثبت‌نام کنند اما به نشانه اعتراض حاضر نشوند تا سالن برنامه خالی بماند.

ایده این گونه اعتراض چندان جدید نیست و ائتلافی از معترضان آنلاین با نام «مقاومت» با محوریت نسل‌های قدیمی‌تر امریکایی‌ها که از توئیتر برای مقابله با ترامپ استفاده می‌کنند، بارها و بارها این شکل اعتراض را تجربه کرده‌اند اما چندان موفق نبوده‌اند. اما پیشنهاد آن زن، با استقبال کاربران تیک‌تاک روبه‌رو شد و بعد هم در میان طرفداران موسیقی کره‌ای (K-pop stans) دست به دست چرخید. بیش از ۳۰۰ هزار نفر ویدئوی این زن را دیدند و بر اساس برخی کامنت‌ها بعضی از کاربران چندین بار برای حضور در تجمع انتخاباتی ترامپ ثبت‌نام کردند. در واقع، این اقدام مهارت یا تکنیک پیچیده‌ای لازم نداشت و همان روش‌هایی که گروه‌های حامی موسیقی کره‌ای برای تبلیغ خواننده‌ها یا موسیقی‌های مورد علاقه‌شان به کار می‌گیرند، کافی بود.

پوشش رسانه‌ای این اقدام و اعتراف تلویحی به موفقیت این عملیات نشان می‌دهد نوجوانان از نظر سیاسی، رادیکال شده‌اند و ائتلافی جدی از مسخره‌کنندگان رئیس جمهور به وجود آورده‌اند که می‌توانند او را دست بیندازند. به ویژه وقتی که بدانیم میزان جمعیت برای ترامپ و لاف‌زنی‌هایش بسیار اثرگذار و مهم بوده است و جدی‌تر از این موضوع این است که بدانیم تنها ۶۲۰۰ نفر در تجمع انتخاباتی ترامپ شرکت کردند، در حالی که بیش از یک میلیون نفر برای حضور در این تجمع ثبت‌نام کرده بودند. اگرچه اثر واقعی این حرکت روشن نیست، همین که در رسانه‌ها، هواداران موسیقی کره‌ای به مهندسی یا عملیات روانی مشهور شدند، کافی بود تا آنها به صورت آنلاین یک جشن حسابی به پا کنند.

این اتفاقات سبب شده برخی ادعا کنند هیچ کس یا هیچ گروهی در اینترنت بهتر از طرفداران موسیقی کره‌ای (K-pop stans) نمی‌توانند امریکا را از دست ترامپ نجات دهند. البته داستان هفته‌ها پیش از این آغاز شد. وقتی هواداران این نوع موسیقی بر هشتگ‌های نژادپرستان در شبکه‌های اجتماعی در حمایت از جنبش اعتراضی سیاه‌پوستان و برای مقابله با نژادپرستی، سوار شدند و محتوایی کاملاً مخالف با آنچه نژادپرستان امریکایی می‌خواستند، ترند کردند.

اما ماجرا به همین سادگی نیست. هواداران موسیقی کره‌ای و نوجوانان عضو شبکه تیک‌تاک به سرعت در حال تبدیل به ارتشی از سربازان ناشناس اینترنتی هستند که عاشق ستایش قهرمانان و چهره‌های محبوب خود هستند اما واقعاً نمی‌دانند چرا. مهم این است که بدانیم این گروه‌ها به هیچ عنوان یکپارچه نیستند و مثل هم فکر نمی‌کنند. بله، درست است که جوانان از جمله هواداران موسیقی کره‌ای و نوجوانان عضو تیک‌تاک از اینترنت استفاده می‌کنند تا دیده شوند و درگیر فعالیت معناداری می‌شوند تا احترام و توجه جلب کنند اما این را هم باید دانست که هر هوادار موسیقی کره‌ای لزوماً ضد ترامپ نیست و حتی ممکن است کسانی که امروز علیه ترامپ تظاهرات آنلاین به پا کردند، فردا در تظاهرات شرکت نکنند و ممکن است این استراتژی‌های غیرمضر توسط گروه‌ها یا انجمن‌هایی به کار گرفته شود تا به مردم عادی ضربه بزنند و مثلاً اقلیت‌ها را مورد هدف قرار دهند.

کسانی که این موسیقی‌ها را دنبال نمی‌کنند یا این گروه‌ها را نمی‌شناسند، فکر می‌کنند این نوع از هواداری‌ها تنها به حمایت از یک ژانر یا سبک موسیقیایی است. در حالی که ضروری است بدانیم پایگاه هواداری انواع این گروه‌های موسیقی، بسیار متنوع و متفاوت است. هواداران موسیقی کره‌ای (K-pop stans) با تکنیک‌هایی مانند سوار شدن بر هشتگ‌ها، انتشار حجیم کامنت‌ها، پخش فیلم به صورت گسترده در یوتیوب، یا جمع‌آوری و کمک مالی هنگفت به یک موضوع یا فرد در مدت زمانی اندک، قدرت اثرگذاری خود در رسانه‌های اجتماعی را نشان می‌دهند. این شکل از هواداری قابلیت این را دارد که به عنوان یک سلاح علیه هر کس یا هر گروهی، هر نژاد یا آئینی، به کار گرفته شود. اشتباه است اگر تصور کنیم این نوع دستکاری آنلاین که به تکنیک‌های هک بسیار شباهت دارد، وجه سیاسی پیدا کرده است. هواداران موسیقی کره‌ای نیازی نمی‌بینند خود را در موقعیت‌هایی که دیگران آنان را تمسخر می‌کنند، اثبات کنند. طرفداران ترامپ و راست افراطی با دقت تحولات خرداین گروه‌ها را زیر نظر دارند و می‌دانند ممکن است همین رفتارها روزی وجه لیبرال پیدا کند.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون

۴

ترجمه: محمدصادق عبدالهی

استراتژی دولت ترامپ یک جمله است:

من یک حرّاف هستم و دوست دارم مذاکره کنم!

جان بولتون در کتاب جنجالی «اتاق حوادث» روایتی از آغاز تصمیم ترامپ برای مذاکره با ایران دارد. او در صفحه ۳۵ از فصل ۱۲ از بازی محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، با غرور ترامپ می‌گوید که زمینه‌ساز استعفا یا اخراج او از کاخ سفید بوده است. بولتون معتقد است ایرانی‌ها و همچنین سایر کشورهای طرف گفت‌وگو با امریکا تلاش می‌کردند با بازی رسانه‌ای به جای مشاوران ترامپ، خود او را طرف مذاکره قرار دهند تا از این طریق امتیاز بیشتری بگیرند. بولتون معتقد است ترامپ این را نمی‌فهمید و تصورش از ژئوپولتیک بین‌المللی در حد خرید و فروش ملک در نیویورک بود. روایت بولتون را در ادامه بخوانید.

ترامپ غالباً شاکی است که چرا با وجود آنکه ملت‌ها در سراسر جهان می‌خواهند با او صحبت کنند اما به هر طریقی این گفت‌وگوها به سرانجام نمی‌رسد. اینچنین او بالاخره در کمال تعجب به فکر گفت‌وگو با ایران افتاد. از سویی جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، سلسله مصاحبه‌هایی را در نیویورک انجام داد که در آنها اظهار می‌داشت به رغم آنکه ترامپ خواهان مذاکره با ایران است اما بی‌بی نتانیاهو، محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی و من سعی می‌کنیم رژیم آیت‌الله‌ها را سرنگون کنیم. فراتر از اینها ترامپ تصور داشت، حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، پوتین و همه دنیا می‌خواهند با ما صحبت کنند اما چیزی مانع می‌شود. البته نه پوتین و نه حسن روحانی تلاشی برای تماس با ما نمی‌کردند و اگر ظریف یا دیگرانی هم با رسانه‌ها صحبت می‌کردند، در واقع می‌خواستند با غرورهای ترامپ بازی کنند. آخرین قطعه از بی‌ثباتی در این موضوع با کیم جونگ اون تکمیل شد که از دستیاران ترامپ انتقاد کرد. احتمالاً تنها کسی که می‌تواند با ایجاد یک تغییر، ترامپ را متقاعد کند او بود. ایران، کوبا و کره‌شمالی در اواخر آوریل این تاکتیک را مجدد امتحان کردند و دلایل بسیاری وجود داشت که باور کنیم این تکنیک شیوع پیدا کرده است. این رویکرد واقعاً حیرت‌انگیز بود، چرا که دقیقاً بر همان مداری بود که ترامپ به او می‌اندیشید. او نمی‌توانست قبول کند که مخالفان می‌خواهند از طریق مذاکره با شخص او به معامله بهتری نسبت به مذاکره با مشاوران دردسرآفرین او دست یابند. من تصمیم گرفتم این موضوع را روزی که استعفا می‌دهم به ترامپ بگویم؛ استعفایی که روز به روز نزدیک‌تر می‌شد... ترامپ در دیدار ماه آوریل با «آبه» به او گفت: نه پمپئو و نه من قرابت و ارتباط چندانی با ایران نداشته‌ایم؛ به خصوص خود او که اصلاً هیچ رابطه‌ای با ایران نداشته است اما آبه این سابقه را دارد. این اوج تصور ترامپ از ژئوپولتیک بین‌المللی است؛ تصوری شبیه آنچه در تجارت ملک و مستغلات در نیویورک وجود دارد! اینها پس‌زمینه کاری بود که ترامپ برای آبه در ذهن داشت که می‌توانست پایان خوبی نداشته باشد. این بحث در آن جلسه خیلی جلو نرفت اما در تاریخ ۳۰ آوریل ترامپ از طریق تماسی تلفنی با ماکرون، نخست‌وزیر فرانسه، ایده‌اش را دوباره مطرح کرد و ماکرون را که کلاً به شوق توافق هسته‌ای با ایران زندگی می‌کند، تشویق کرد تا این گشایش آشکار در موقعیت امریکا را بقاپد... ترامپ در بین رهبران جهان تنها رئیس جمهوری است که این گونه پیشنهادات برای مذاکره و گفت‌وگو را تضعیف‌کننده موقعیت کلی کشور نمی‌داند، اگر چه دوست و دشمن این پیشنهادات را این گونه تفسیر می‌کنند. خلاصه ترامپ نتوانست خودش را نگه دارد! و این گونه است که باید گفت بزرگ‌ترین استراتژی در دولت ترامپ همین یک جمله است: «من یک حرّاف هستم و دوست دارم مذاکره کنم!»

پیشنهاداتی برای آینده بازار ارز

مجید شاکری، اقتصاددان، در کانال تلگرامی «اقتصاد سیاسی» نوشت: دور فعلی صعود نرخ ارز (که اکنون کندتر شده) به هر حل بر مبنای دو متغیر گشایش کانال‌های جدید (که عراق یک نمونه آن است) و بازگشت ارز صادراتی (که بازه قانونی آن تا ۳۱ تیر است) تعیین تکلیف خواهد شد. برای پس از این بازه زمانی پیشنهاداتی قابل ارائه است که تصور می‌کنم مطرح کردن آن در افکار عمومی به چکش خوردن بیشتر آن کمک خواهد کرد:

۱- به هر حال بانک مرکزی باید درک کند تا زمانی که جدایی کوتاژ از ارز را نپذیرد، وقوع وقایعی شبیه تابستان گذشته و بهمن گذشته دور از ذهن نیست. در عمل کوتاژ از ارز جداست فارغ از آنکه سیاستگذار چه فکر کند. کشور ایران به خصوص در دوره دفاع مقدس سابقه نسبتاً موفقی از سیاستگذاری ارزی بر مبنای کوتاژ و ارز جداگانه دارد و حتی حجم واردات را بدون درگیر کردن خود در فرایند ثبت سفارش با خرید و فروش کوتاژ کنترل می‌کرد.

۲- فلسفه نظارت بر صرافی‌ها نیاز به تغییر دارد. افزایش اعتبار آنها به کمک بانک مرکزی همزمان با افزایش نظارت فلسفه جدید قابل پیشنهاد است. ایجاد اتاق تبادل و تسویه شبانه بین صرافی‌ها (که بازار متشکل زیرساخت خوبی برای آن است ولی نیاز به تغییر منطق دارد) فراهم کردن رویه اعتبارگیری منظم ارزی بین صراف‌ها برای بستن مبادلات شبانه و رول‌اوور کردن بدهی‌های باقی مانده بعد از settlement، گسترش آن به حوزه سپرده‌های ارزی و در نهایت ابتنای بانکداری فراساحل بر صرافی‌ها (و نه بانک‌ها)ی امروزی یک مسیر قابل پیشنهاد است.

۳- اکنون می‌دانیم داشتن یک بازار ارز آتی تا چه حد نه فقط برای تنظیم انتظارات سفته‌بازانه بلکه برای تنظیم انتظارات در بازار درهم صادراتی مؤثر است. دلیلی ندارد این بازار بلندمدت باشد (گزینه هفتگی بهترین شروع ممکن است.) وجود یک بازار آتی به بانک مرکزی این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به صرف ارز و با ریال حکمرانی ارزی خود را توسعه دهد. سایز فعلی بازار متشکل، کفایت نسبی برای شروع آتی هفتگی درهم را می‌کند. در اینجا مجدداً تأکید می‌کنم ایده حضور بانک مرکزی در فردایی در بهمن ۹۶ یک ایده صحیح بود هر چند از تبعات حقوقی بعدی آن همگی مطلعیم.

۴- به هر ترتیب تصور آن که بدون یک برنامه تخصیص ارز به واردات (که می‌تواند در قالب تخصیص کوتاژ هم رخ دهد) می‌توان بازار ارز را در بلندمدت مدیریت کرد صحیح نیست. نیز بدون داشتن یک برنامه توسعه صنعتی نمی‌توان برنامه تخصیص ارز داشت. کاش سرپرست فعلی یا وزیر آتی صمت این موضوع را در رأس کارهای خود می‌گذاشت.

۵- تصور آنکه می‌توان به سیاق سابق کالای اساسی را از کانال‌های امریکا تهیه کرد و در بلندمدت بازار ارز باثباتی داشت صحیح نیست. نگارنده معانی امنیتی و سیاسی این پیشنهاد را درک می‌کند ولی اساساً و هرگز محصور کردن تأمین کالای اساسی به حصار اوفک معقول نیست. کاش وزیر جهاد کشاورزی این معنا را درک کنند.